



قرآن کریم رنج‌های بشر را مایه درك اراده قاهر الهی می‌داند

خالق هستی در قرآن به ما می‌گوید علت آلام و رنج‌های بشر این است که وقتی چیزی می‌خواهد و محقق نمی‌شود، باید بفهمد که در این عالم يك اراده قاهر حاکم است ...

خالق هستی در قرآن به ما می‌گوید علت آلام و رنج‌های بشر این است که وقتی چیزی می‌خواهد و محقق نمی‌شود، باید بفهمد که در این عالم يك اراده قاهر حاکم است و این عالم نه به اراده انسان، بلکه به اراده او می‌چرخد؛ این عالم نظامی دارد و اگر بنا بود تمام خواسته‌ها از تمام انسان‌ها در این عالم محقق شود، اصلاً عالم از هم فرومی‌پاشید.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در نهمین نشست از سلسله نشست‌های «؛آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب» که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

فعالی با بیان اینکه تفاوت‌های متعدد، عمیق و بنیادین میان اصل «؛کبد» قرآنی و «؛رنج» بودا وجود دارد، اظهار کرد: بودا زندگی انسان را سراسر رنج می‌داند، اما قرآن می‌گوید اگر يك رنج وجود داشته باشد، کنار آن ده‌ها، صدها و بلکه بی‌شمار نعمت و برکت است. فرق دیگر بین اصل «؛کبد» که در آیات قرآن آمده با اصل رنجی که بودا - در چهار حقیقت جلیل - مطرح می‌کند این است که اگر ما از خالق هستی سؤالی جهت استفهام بپرسیم که ای حضرت حق! شما فرموده‌ای که زندگی انسان در این عالم آمیخته با کبد و عسر است، چرا باید چنین باشد. آیا بهتر نبود که در نظام عالم به عنوان نظام احسن سر سوزنی کبد و رنجی نباشد؟ خداوند حق پاسخ داده است. اما اگر این سؤال را پیشتر از آن از بودا بپرسیم پاسخ او چیست؟

وی با طرح سؤالی عنوان کرد: اگر از بودا درباره اصل اول از چهار حقیقت جلیل او بپرسیم که چرا زندگی را سراسر رنج دانسته است و بهتر نبود که این‌گونه نباشد؟ آیا بودا پاسخی برای این پرسش بنیادی و اساسی دارد؟ هرگز! اصلاً بودا ذهنش به این‌جاها نمی‌رسد. این از جمله سؤالات بنیادی انسان است و برای بودا اصلاً قابل طرح نیست؛ یعنی خالق هستی خود مطرح می‌کند و جالب است که پی از آن آیه بلافاصله جواب می‌دهد، آیه 5 سوره بلد «؛أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدَرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ» پاسخ همین سؤال است.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به تحلیلی در این زمینه، اظهار کرد: در يك تحلیل انسان‌شناختی و روان‌شناختی باید گفت که انسان در این جهان خواسته‌هایی دارد و هیچ انسانی در روی زمین نیامده که تمام خواسته‌های او محقق شود. خواسته‌های انسان در این جهان به صورت طبیعی از سه حالت بیرون نیست: یا تمام آن‌ها محقق می‌شود که این حالت محال است. در وضعیت دوم هیچ يك از خواسته‌های انسان محقق نمی‌شود و وضعیت سوم آن است که بخشی از خواسته‌های انسان محقق شود و بخشی محقق نشود. اگر وضعیت انسان در این عالم چنین است که یا محقق نمی‌شود و یا اندکی از آن محقق می‌شود، نتیجه آن به لحاظ روحی و روانی رنج است.

فعالی تصریح کرد: علت اصلی رنج و الم انسان دقیقاً همین است که او چیزهایی را می‌خواهد و محقق نمی‌شود و در آن صورت ناراحت می‌شود. چرا خواسته‌های ما محقق نمی‌شود و در صورت تحقق به طور کامل محقق نمی‌شود؟ خداوند در پاسخ به این چرا فرموده است که علت آن است تا انسان بداند که در این عالم يك اراده قاهری حاکم است و این عالم نه به اراده انسان، بلکه به اراده خالق قاهری می‌چرخد. این عالم نظامی دارد و اگر بنا بود تمام خواسته‌ها از تمام انسان‌ها در این عالم محقق شود، اصلاً عالم از هم فرومی‌پاشید. يك اراده غالب و قاهر این عالم را اراده، اداره و تدبیر و ربوبیت می‌کند و تنها آن حکیم عالم می‌داند که چه میزان از کدامین خواسته يك انسان لازم است محقق شود.

وی ادامه داد: پس اگر بپرسیم چرا باید انسان در این عالم رنج ببرد خالق هستی و انسان و آلام انسان به ما می‌گوید علت آن است تا

بدانی اراده قاهری بر این عالم غالب و استوار است. این مضمون آیه بعدی است: «آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت؟» به تعبیری از این امر به فلسفه رنج تعبیر می‌شود. الهیات امروز در غرب گرایش‌های مختلفی پیدا کرده و یکی از نگرش‌ها و رویکردهای اخیر در حوزه الهیات مسیحی دقیقاً همین الهیات آلام و رنج است.

یکی از مهمترین راهکارهای نجات يك جامعه و هسته مرکزی جامعه یعنی خانواده دقیقاً در همین اصل نهفته است. فقط سعی کنید دیگران و بیش از همه خانواده خود(همسر و فرزندان) خود را شاد کنید. حتی نیت و فکر انسان برای شاد کردن دیگران عبادت است تا چه رسد به عمل ما

فعالی با بیان این‌که تمام کسانی که در این حوزه کار می‌کنند به دنبال پاسخ به این فلسفه‌اند که چرا انسان باید در این عالم رنج ببیند و فلسفه آلام و رنج‌های بشر چیست؟ گفت: تمام این فلسفه‌ها سرانجام به این آیه قرآن برمی‌گردد. خالق هستی در قرآن به ما می‌گوید که علت آلام و رنج‌های بشر این است که انسان وقتی چیزی می‌خواهد و محقق نمی‌شود، باید بفهمد که اراده دیگری غالب و قاهر است و چون چنین است، جایی که خواسته انسان نمی‌شود، به سبب طرح و نقشه عالم است و آنجایی که محقق می‌شود، در پی اذن است و اگر اذن ندهند آنجا نیز محقق نخواهد شد و اصلاً در این عالم بی‌اذن خالق چیزی محقق نخواهد شد.

وی گفت: فرق چهارم آن است که مهم‌ترین ویژگی انسان از منظر بودا رنج است و غیر از این هیچ چیز دیگر به لحاظ انسان‌شناسی برای بودا اهمیت ندارد. نیم‌نگاهی به آیات قرآن نشان‌گر آن است که انسان‌ها در این جهان از نظر خالقشان ویژگی‌های بسیار متعددی دارند که یکی از آنها کبد است و خداوند متعال این خصیصه را نسبت به خصائص دیگر برجسته نکرده است.

وی در ادامه به بیان نمونه‌هایی از خصائص انسان در این جهان و از نگاه خالق او پرداخت و گفت: یکی از نمونه‌ها در آیه شریفه 11 از سوره اسراء آمده است: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا». یکی از ویژگی‌های انسان‌ها در این جهان عجل بودن است و انسان‌ها اساساً، خللاً و وجوداً شتاب‌گر و عجل هستند و همچنانکه اگر عجل بودن را تنها خصیصه انسان بدانیم، درست نیست، این‌که تنها خصیصه انسان را در کبد بودن بدانیم نیز قول درستی نیست.

این محقق و پژوهشگر درباره واژه عجله گفت: انسان کارهای خود را در يك بازه زمانی انجام می‌دهد. در نسبت میان کار و زمان سه حالت وجود دارد: یا انسان آن کار را بیش از زمانش انجام می‌دهد یا تعادل و سوم آن‌که کار را در کمتر از زمانش انجام دهیم. حالت اول و سوم، افراط یا تفریط است و مطلوب، تعادل است و از همین روی باید زمان منحصر هر کار را سنجید. انسان‌ها عجل‌اند و می‌خواهند زودتر از زمان هر عمل به آن مقصد برسند.

فعالی با اشاره به روایتی از امام علی(ع) اظهار کرد: امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «ان الامور مرهونة باوقاتها؛ هر امری و هر مطلوبی زمان خاصی دارد و اگر آن زمان نرسد، به آن مطلوب نمی‌رسیم». بنابراین تعادل یا به تعبیر دینی آن «اقتصاد» در کارها این است که انسان بکوشد که کارهای خود را در بازه زمانی متعادل و مقتصدانه انجام دهد.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به یکی دیگر از خصوصیات انسان گفت: از دیگر ویژگی‌های انسان که در سوره کهف ذکر شده این است «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا؛ انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد» انسان‌ها بسیار اهل جدلند، بدان معنا که انسان درستی معنای «الف ب است» را می‌فهمد ولی از قبل خودش گفته «الف ب نیست»، سر این سخن خود اصرار می‌کند و می‌کوشد تا با حرّافی و توجیهات غیرمنطقی سخن خود را که خود به نادرستی آن آگاه است، به کرسی بنشاند؛ یعنی انسان‌های حق‌ناپذیر که می‌دانند حق چیست ولی دوست ندارند تا آن را بپذیرند، جهت اثبات امر باطل خود حرّافی می‌کنند. به این حالت «اکثر شیء جدلاً» گفته می‌شود. این حالت بدی است و انسان باید بکوشد تا حق‌پذیر و حق‌فهم باشد و دیگر آن‌که حق را تنها يك بار بگوید و اگر مخاطب نپذیرفت او را رها کند.

وی ادامه داد: سؤال جالب و آن این‌که اگر از آسمان صد خیر، برکات، نعمات، خوبی و شادی نازل بشود وضعیت ما انسان‌ها چیست؟ دو ویژگی در این زمینه داریم، تمامیت‌خواه و انحصارطلب هستیم. یعنی دوست داریم کل آن فقط از آن ما بشود. اگر از آسمان صد شر، بدی، کجی، گرفتاری و نگرانی بیاید باز هم انحصارطلب و تمامیت‌خواهیم منتهی از ناحیه عکس؛ یعنی می‌گوییم کل این شرور فقط از آن دیگران باشد، به این ویژگی به لحاظ اخلاقی حرص و به لحاظ قرآنی هلوغ می‌گویند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»(معارج/19).

فعالی اضافه کرد: هلوغ به معنای حریص است که دو پیامد دارد: همه شرور را برای دیگران و همه خیرات را تنها برای خود می‌خواهد و در ادامه آمده است: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَثُوعًا؛ چون صدمه‌ای به او رسد جزع کند و چون خیری به او رسد بخل ورزد»(معارج/21-20). این وضعیت موجود انسانی است و وضعیت مطلوب آن است که در شادی دیگران شریک نباشد و تنها شراکت او در غم دیگران باشد.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به فراز بسیار زیبایی از کلمات حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه که فرمودند: «مؤمن کسی است که تنها در اندیشه شاد کردن دیگران باشد، گفت: این بدان معناست که خوبی‌ها و برکات انسان‌ها از آن خودشان است و انسان تنها باید در غم‌های آنها شریک باشد و طمع به داشته‌های دیگران و «ما فی ایدی الناس» نداشته باشد و حرص دیگران را نخورد، چراکه روزی هرکس خواهد رسید.

فعالی عنوان کرد: وضعیت موجود هلو و حریص است و وضعیت مطلوب حالت دیگری است، خداوند امدادگر است و نخستین کسی که در عالم کمیت امداد دایر کرد به اندازه کلان هستی، خالق هستی است: «كَلَّا ثَمِثْ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ»(الاسراء/20) یعنی کار خداوند تنها امدادگری است و مؤمن کسی است که خَلْق خدایی باشد و او نیز دست اعطاء، بخشش و گذشتش بیش از دیگران باشد، مؤمن باید در فکر شاد کردن دیگران باشد.

از دیگر ویژگی‌های انسان که در سوره کف ذکر شده این است «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا؛ انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد» انسان‌ها بسیار اهل جدلند، بدان معنا که انسان درستی معنای «الف ب است» را می‌فهمد ولی از قبل خودش گفته «الف ب نیست»، سر این سخن خود اصرار می‌کند

وی تصریح کرد: مهم‌ترین وظیفه‌ای که همسران در منزل دارند دقیقاً همین است. اگر شوهر تمام همتش این باشد که عیالش با چه خوشحال می‌شود و نیاز به گفتن آن هم نباشد، اگر بگوید و دلش را شاد کنید جالب نیست، بلکه نگوید و شما بفهمید با چه چیزی خوشحال می‌شود و او را شاد کنید، این جالب است. اگر مرد و زن این‌گونه باشند، فقط با عمل به همین يك اصل نهج‌البلاغه جامعه گلستان خواهد شد و علت این‌که این‌گونه نیستیم، همین هلو و حریص بودن یا حریص بودن ماست.

وی اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین راهکارهای نجات يك جامعه و هسته مرکزی جامعه یعنی خانواده دقیقاً در همین اصل نهفته است. فقط سعی کنید دیگران و بیش از همه خانواده خود(همسر و فرزندان) خود را شاد کنید. حتی نیت و فکر انسان برای شاد کردن دیگران عبادت است تا چه رسد به عمل ما و اگر این‌گونه عمل کنیم خواهیم دید که زندگی ما و جامعه ما و اطراف ما بهتر و نورانی‌تر و مقدس‌تر و محترم‌تر خواهد شد. کار خداوند نیز شادکردن خلایق است و ما باید به جمله شریف «تخلقوا باخلاق الله» عمل کنیم و به اخلاق الهی متخلق شویم.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: تفاوت چهارم این بود که خداوند متعال در آیات خود به ما می‌گوید انسان‌ها در این عالم ویژگی‌های مختلف دارند و اگر آیات الهی را به لحاظ خصیصه‌شناسی انسان بگردیم و بسنجیم خواهیم دید که آیات برای انسان حدود 30 ویژگی بیان می‌کنند و در ارزیابی این ویژگی‌ها متوجه می‌شویم که برخی از آنها از نگاه خالق از برخی دیگر مهم‌تر است و شاید یکی از ویژگی‌هایی که از نگاه خالق هستی کمتر مهم است همان کبد یا عجل باشد و برای مثال هلو و حریص از این دو صفت مهم‌تر است.

وی ادامه داد: اما در بررسی ریشه‌ها متوجه می‌شویم که مهم‌ترین ریشه‌ای که در آیات به تأکید و در احادیث به صراحت بیان شده «حب الدنيا رأس کل خطیئة» است یعنی دنیاگرایی و نقطه مقابل آن تقوا و زهد یعنی کاستن از وابستگی‌ها به دنیا و زخارف آنهاست، اساس در قرآن این است، اما اساس در نگاه بودا چیز دیگری است.

فعالی با تأکید بر اهمیت و ضرورت طرح این مباحث، آن را مطالب مبنایی، زیرساختی و بسیار مهم دانست و گفت: بسیاری از فیلم‌های هالیوودی بر اساس اصل رنج و برپایه اصل شادی و شادمانه زیستن ساخته می‌شود. تکنیک‌هایی که ارائه می‌کنند هیچ يك تکنیک‌های الهی و آسمانی و متناسب با قوانین هستی نیست.

وی گفت: همچنان که گفتیم اصل بحث ما آموزه‌های دالایی لاما بود، اصل نخست اصل تناسخ، اصل دوم اصل رنج که زیرساخت معنویت دالایی‌لاماست و آموزه سوم دالایی لاما اصل شادی است که ان‌شاءالله در مباحث آینده با نگاهی به بحث شادی و غم از منظر قرآن این مبحث را تشریح خواهیم کرد.